



بررسی رابطه بین هوش معنوی پدران با شادکامی دختران دبیرستانی شهر بابل

رافونه غفاری

گروه روانشناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

mehrtaban3@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی پدران با شادکامی دختران دبیرستانی شهر بابل اجرا گردید. روش پژوهش توصیفی - همبستگی و جامعه آماری پژوهش کلیه دختران دبیرستانی شهر بابل به تعداد ۱۱۵۶۵ نفر در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بودند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۷۲ نفر بر آورد گردید و به روش نمونه گیری خوشه ایی چند مرحله ای نمونه آماری انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات عبارتند از: پرسشنامه هوش معنوی عبدالله زاده وهمکاران و پرسشنامه شادکامی آکسفورد است. بیه منظور تجزیه وتحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که دختران دبیرستانی که امتیاز بیشتری از شادکامی کسب کرده اند نمرات هوش معنوی پدرانشان بالاتر بوده است .

واژگان کلیدی: هوش معنوی ، شادکامی، دانش آموزان



مقدمه

در چند دهه‌ی اخیر، روان‌شناسان مثبت‌گرا^۱ علاقمند به ارتقای توان بالقوه انسان شدند و بر این نکته اصرار ورزیدند که، توانمندی‌های انسان، ثانوی، فرعی، فریبده، پس‌آیندی، و طفیلی نیستند. روان‌شناسی مثبت‌نگر به‌عنوان رویکردی تازه در روان‌شناسی، بر فهم و تشریح شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی و همچنین پیش‌بینی دقیق عواملی که بر آنها مؤثرند، تمرکز دارد (Seligman, Rashid, Parks, 2006). در همین رابطه Seligman (2002) در کتاب خود با عنوان «شادمانی اصیل»، هیجان‌های مثبت را در سه مقوله‌ی آنهاپی که با گذشته، حال و آینده پیوند دارند، طبقه‌بندی می‌کند. هیجان‌های مثبت مرتبط با آینده، خوشبینی، امید، اعتماد، ایمان و اعتقاد را شامل می‌شوند. رضامندی، خشنودی، غرور و آرامش خاطر هیجان‌های مثبت عمده‌ای هستند که با گذشته پیوند دارند. در ارتباط با هیجان‌های مثبت حال دو طبقه متمایز وجود دارد: لذت‌های آنی و رضامندی‌های پایدارتر. لذت‌ها، هم لذت‌های جسمانی و هم لذت‌های عالی‌تر را شامل می‌شوند. لذت‌های جسمانی از طریق حواس حاصل می‌شوند. برعکس، لذت‌های عالی تر از فعالیت‌های پیچیده تر به دست می‌آیند و احساس‌هایی مانند سعادت، شغف، راحتی، امید، سرخوشی و شادمانی را شامل می‌شوند.

شادی، یکی از نیازهای انسان و لازمه‌ی زندگی است. واژه‌ی شادکامی، دربرگیرنده‌ی چند مفهوم ذهنی مثل شادمانی، خشنودی، لذت و خوشایندی است اما به معنای خوش‌بینی بی‌پایه و خودفریبی، انکار واقعیت‌ها و ندیدن مشکلات خود و دیگران نیست. از این رو تعدادی از روان‌شناسان، مفهوم کلی‌تر «خوشبختی ذهنی» را که دربرگیرنده‌ی ارزش‌یابی‌هایی مثل خشنودی از زندگی، هیجان، خلق مثبت و فقدان افسردگی و اضطراب است به‌کار می‌برند (Diener, et al, 2002). از دیدگاه روان‌شناسی دو نوع شادکامی وجود دارد. یک نوع شادکامی از رهگذر شرایط محسوس زندگی نظیر زناشویی، تحصیل، شغل و امکانات مالی و رفاهی حاصل می‌شود که شادکامی عینی نامیده می‌شود. نوع دیگر، متأثر از حالات درونی و ادراکات شخصی است که از آن به شادکامی ذهنی تعبیر می‌شود (Thelwell, Lane, Weston, 2010).

از طرفی خانواده اولین پایه گذار شخصیت، ارزشها و معیارهای فکری فرد است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت، سبک و خط مشی زندگی فرد دارد و اخلاق، صحت و سلامت روانی فرد تا حدود زیادی در گرو آن است (احمدی و محسنی، ۱۳۸۷) که در همین راستا به نظر می‌رسد وضعیت و توانایی‌های روان‌شناختی والدین بر شادکامی فرزندان تأثیر داشته باشد. یکی از این ویژگیها می‌تواند میزان هوش معنوی والدین باشد. هوش معنوی به واسطه کنش آن در یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی تعامل بین فرایندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را نیز دارد که نتیجه تعامل آنها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه، موجب رشد و دگرگونی شخصی شود (Zohar, Marshall, 2000).

هوش معنوی در بردارنده نوعی سازگاری در رفتار حل مسأله است که بالاترین سطح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی-اخلاقی و هیجانی شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درون و بیرون یاری می‌نماید. این هوش به انسان دید کلی در مورد زندگی و محیط کار می‌دهد و او را به چارچوب‌بندی مجدد تجارب خود قادر می‌سازد تا شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد. هوش معنوی می‌تواند در سلامت جسمی و روانی همه افراد تأثیر داشته باشد. هم چنین به افراد کمک می‌کند تا خود با ثباتی داشته و نگرانی‌ها و اضطراب‌ها را بتوان کاهش داده و به طور عمیق تر با دیگران ارتباط برقرار نمایند (رئیس‌ی، احمری، حیدری و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی پژوهش‌ها تأکید داشته‌اند که هوش معنوی بر طیف گسترده‌ای از هیجان‌ها و حالات روانی تأثیرگذار است (Lysne, Wachholtz, 2011)؛ اردلان و همکاران، ۱۳۹۳؛ خدابخشی، رحیمی کیا و جعفری، ۱۳۹۳؛ رئیس‌ی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین هوش معنوی می‌تواند ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از این حیطه‌های زندگی خانوادگی فرد و ارتباط با سایر افراد خانواده می‌باشد. اما پیشینه‌های تحقیقاتی حاکی از این امر است که در پژوهش‌های مرتبط با هوش معنوی این حیطه خیلی مورد توجه قرار نگرفته است و نیلزمنند توجه و پژوهش بیشتری است. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این مسئله می‌باشد که آیا هوش معنوی پدران با شادکامی دختران رابطه دارد؟

1- Positive Psychologist



روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی پدران با شادکامی دختران دبیرستانی شهر بابل اجرا گردید. روش پژوهش توصیفی - همبستگی و جامعه آماری پژوهش کلیه دختران دبیرستانی شهر بابل به تعداد ۱۱۵۶۵ نفر در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بودند که معیار ورود به پژوهش، دختران دبیرستانی تحت تکفل پدر بود. که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۷۲ نفر بر آورد گردید و به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای نمونه آماری انتخاب شد. بدین ترتیب که از ۴۱ دبیرستان دخترانه شهر بابل، ۶ دبیرستان بصورت قرعه کشی انتخاب شده و از هر دبیرستان به تعداد ۶۲ نفر از دانش آموزان به ترتیب حروف الفبا انتخاب گردیدند که جمعا ۳۷۲ نفر بودند. ابزار گردآوری اطلاعات عبارت بودند از:

پرسش نامه شادکامی آکسفورد: این پرسشنامه که توسط Argyle, Crossland (1987) برای اندازه گیری شاکامی ساخته شده که دارای ۲۹ ماده چهارگزینه ای که گزینه های آن به ترتیب از صفر تا ۳ نمره-گذاری می شود و نمره هر آزمودنی بین صفر و ۸۷ قرار می گیرد و در هر پرسش فرد درباره خود از احساس ناشادی تا احساس شادی بسیار زیاد قضاوت می کند. Argyle, Crossland (1987). پایایی این پرسشنامه را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و پایایی بازآزمایی آن را طی هفت هفته ۰/۷۸ گزارش کرده اند. در ایران این پرسشنامه توسط علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) ترجمه شده و درستی برگردان آن توسط هشت متخصص تایید شده است. در بررسی پایایی و روایی آن آلفای کرونباخ ۰/۹۸ و پایایی تنصیفی ۰/۹۲ گزارش گردید و همچنین پایایی به روش بازآزمایی پس از ۳ هفته ۰/۷۹ بدست آمد.

پرسش نامه هوش معنوی عبدالله زاده و همکاران (۱۳۸۸): این ابزار در سال ۱۳۸۷ توسط عبدالله زاده با همکاری مهدیه کشمیری و فاطمه عرب عامری روی دانشجویان هنجار شده است. پایایی این آزمون در مرحله مقدماتی به روش آلفا برابر ۰/۸۷ بود، در تحلیل سوال به روش لوپ سوال ۱۲ حذف شد و پرسش نامه نهایی با ۲۹ سوال تنظیم شد. در مرحله نهایی پایایی در این مرحله ۰/۸۹ به دست آمد، برای بررسی روایی محتوایی، از تحلیل عاملی استفاده شد و همبستگی کلیه سوال ها بالای ۰/۳ بود. در چرخش به روش واریماکس برای کاهش متغیرها ۲ عامل اصلی به دست آمده، که عامل اول با ۱۲ سوال «درک ارتباط با سرچشمه هستی» نام گذاری شد و عامل دوم با ۱۷ سوال «زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی» نامیده شد. این آزمون به روش لیکرت ۵ درجه ای از کاملا مخالفم = ۱ تا کاملا موافقم = ۵ نمره گذاری و دامنه نمرات ۲۹ تا ۱۴۵ می باشد (عبدالله زاده، ۱۳۸۸).

یافته ها

داده های به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج در جداول زیر ارائه شده است

جدول ۱- اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
شادکامی دختران	۸۴/۴۶	۱۵/۶۱	۲۴۳/۸۸
هوش معنوی پدران	۸۱/۶۸	۱۶/۷۰	۲۷۹/۱۱

همانطور که ملاحظه می شود میانگین شادکامی دختران ۸۴/۴۶، هوش معنوی پدران ۸۱/۶۸ می باشد.



جدول ۲- محاسبه میزان رابطه بین هوش معنوی پدران با شادکامی دختران

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	نوع آزمون
هوش معنوی پدران	شادکامی دختران	۰/۳۴۴	۰/۰۲۲	پیرسون

با توجه به ضریب اطمینان ۹۵٪ و سطح معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون هوش معنوی پدران ($P=0/022$) با شادکامی دختران که از مقدار پیش فرض ($0/05$) کمتر است می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین هوش معنوی پدران با شادکامی دختران رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج بدست آمده در این پژوهش مشخص شد که بین هوش معنوی پدران و شادکامی دختران دبیرستانی شهر بابل رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد. به عبارتی با افزایش میزان هوش معنوی پدران، شادکامی دختران نیز افزایش یافته است. در پژوهشهای متعددی تاثیر هوش معنوی فرد بر میزان شادکامی او تایید گردیده است. از جمله، کریم زاده و همکاران (۱۳۹۳) که رابطه هوش معنوی و مولفه های آن با شادکامی در دختران مجرد شاغل و غیرشاغل را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که تجارب معنوی بیشترین تاثیر را بر شادکامی دارد. همچنین پژوهش کیانی و مظاهری (۱۳۹۳) که نشان داد بین هوش معنوی و شادکامی در دانش آموزان ارتباط معنا دار و مثبتی وجود دارد. رئیسی و همکاران (۱۳۹۲) و یعقوبی (۱۳۸۸) نیز در جامعه دانشجویی رابطه مثبت و معنا دار بین هوش معنوی و شادکامی را تایید کردند. اما پژوهشهایی که رابطه هوش معنوی والدین با شادکامی فرزندان را بررسی کند محدود بود. در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان اشاره کرد به این امر که سامانه های باورهای دینی و معنوی به افراد این امکان را می‌دهد که به ناملایمات، فشارهای روانی و فقدانهای گریز ناپذیر که در روند زندگی رخ می‌دهد معنا دهند. این افراد اغلب با سبک زندگی جسمانی و روانی سالم تری همراه هستند که مشخصه آن وفاداری زناشویی، رفتار نودوستانه و اجتماع خواه می‌باشد (باقری و همکاران، ۱۳۹۰). از ویژگیهای شناخته شده برای افراد دارای هوش معنوی بالا می‌توان به این خصایص اشاره نمود: یافتن و به کارگیری منابع عمیق درونی که امکان توجه به دیگران و نیز توان تحمل و تطابق با آنها، توانایی درک معنای واقعی رویدادها و حوادث، و قابلیت معنا دار کردن کار، درک و شناخت علت درست افکار و رفتار خود و توان اثرگذاری بر آنهاست. این ویژگیها در مجموع می‌تواند رفتارهای ارتباطی مناسب تری را به همراه داشته باشد. همچنین پژوهشها از جمله پژوهش رحمانی و موسوی (۱۳۹۳) نشان داد که والدین با هوش معنوی بالاتر بیشتر از سبک فرزند پروری مقتدرانه استفاده می‌کنند. مجموع این ویژگیها می‌تواند در یک والد یک سبک زندگی مطلوب تری را به همراه داشته باشد که در روحيات فرزندان بسیار تاثیر دارد. بنابراین پدری که هوش معنوی بالاتری دارد سبک ارتباطی مناسب تر و منعطف تری را برای ارتباط و تربیت فرزند خود انتخاب می‌کند و این می‌تواند رضایت و شادی بیشتری را در زندگی به همراه داشته باشد.



منابع

- اردلان، محمدرضا؛ سرجهانی، زهرا؛ سرجهانی، مجتبی. (۱۳۹۳). رابطه ی هوش معنوی با بلوغ آموزگاران ابتدایی شهر شیراز. کنفرانس بین المللی مدیریت در قرن ۲۱.
- باقری، فریبرز. اکبری زاده، فاطمه. حاتمی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). رابطه بین هوش هیجانی و شادکامی و متغیرهای دمو گرافیک در پرستاران شهرستان بوشهر. طب جنوب. ۴. ۱۴. ۲۵۶-۲۶۳.
- خدابخشی، شراره؛ رحیمی کیا، امین؛ جعفری، حسن؛ (۱۳۹۳). شناسایی رابطه بین هوش معنوی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. یافته، ۱۶ (۱)، ۶۵-۵۸.
- رحمانی، مهروی و موسوی، سید علی. (۱۳۹۳). ارتباط بین هوش معنوی و سبک های فرزند پروری والدین، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مرکز راهبردی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- رئیس، مرضیه؛ احمدی طهران، هدی؛ جعفریگلو، عصمت؛ عابدینی، زهرا؛ بطحایی، احمد. (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۳ (۵)، ۴۴۰-۴۳۰.
- عبداله زاده، حسن. باقرپور، معصومه. بوژمهرانی، سمانه، لطفی. محدثه. (۱۳۸۸). هوش معنوی. تهران: انتشارات روان سنجی.
- علی پور، احمد. نوربالا، احمدعلی. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسش نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه های تهران. فصلنامه اندیشه و رفتار. ۵. ۱ و ۲. ۵۵-۶۴.
- کریم زاده، مطهره السادات. عباسی اسفجیر، علی اصغر. بابایی، مهناز. (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی و مولفه های آن با شادکامی در دختران مجرد شاغل و غیر شاغل شهرستان ساری، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی، پژوهش در نظام آموزشی، ۹۵-۴، ۹، ۸۵.
- Argyle, M., & Crossland, J. (1987). Dimensions of positive emotions. *British Journal of Social Psychology*, 26, 127- 137.
- Diener, E., Suh, E. M., & Lucas, R. E. (2002). Subjective wellbeing: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- Luthans F, Luthans K, Luthans BC. (2009). Positive Psychological Capital: Going beyond human and social capital. *Bus horiz*; 47 (1):45-50.
- Lysne CJ, Wachholtz AB. Pain, spirituality, and meaning making, what can we learn from the literature? *J Religions* 2011;2(1):1-16.
- Seligman, M. E. P. (2002). Positive psychology. *American Psychologist*, 55, 5-14.
- Seligman, Martin. E. P, Rashid. Tayyab, Parks, Acacia. C. (2006). Positive psychotherapy, *American psychologist*.
- Thelwell, R.C., Lane, A.M., & Weston, N.W.(2010). Mood states, self-set goals, selfefficacy and performance in academic examinations. *Personality and Individual Differences*, 42 (3), 573-583.
- Zohar, D. & Marshall, I. (2000). *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.